



## مروری بر کارنامه بازیگران محوری آثار مهرجویی

در سطور آتی تلاش خواهیم کرد نگاهی گذرا بر کارنامه چهارتن از برجسته‌ترین بازیگران مورد علاقه داریوش مهرجویی بیفکنیم. عزت اله انتظامی، علی نصیریان، خسرو شکیبایی و نیکی کریمی به طور مشخص، بازیگران ثابت مهرجویی در دوره‌های گوناگون فیلمسازی‌اش بوده‌اند.

### ۱) عزت‌اله انتظامی

همکاری انتظامی با مهرجویی از سال ۱۳۴۸ و در دومین ساخته وی - گاو - آغاز شد. انتظامی با ویژگی‌های مخصوص به خود؛ انعطاف پذیری فراوان در بدن و بیان، شناخت صحیح از خصوصیات و توانایی‌های ظاهری و قابلیت‌های جنسی خود، نقش‌های ماندگار و متفاوتی را در سینمای مهرجویی تجربه کرد. وی همچنین با بازی در ۹ فیلم از مهرجویی و ۲۲ سال همراهی پیگیر با او از این حیث رکورددار است.

### • الف) مشهد حسن در «گاو»

انتظامی در «گاو» با نمایش یک بازی دقیق درونی و زیرپوستی، استحاله یک انسان به یک گاو را کاملاً باور پذیر ساخته است. بازی او پیش از مرگ گاو، عاشقانه و توأم با سرخوشی است. همذات شدن مشهد حسن با گاوش در ادامه دوستی بی‌پیرایه و صمیمانه این دوست در سکانس عاطفی مشترک مشهد حسن و گاو در رودخانه

### □ کیوان کثیریان

داریوش مهرجویی از جمله کارگردان‌هایی است که همواره در آثارشان به «بازیگر» و عنصر «بازی» توجه ویژه‌ای میدول شده است. می‌توان به جرأت مدعی شد دیدن بازی‌ای پخته و دقیق در فیلم‌های مهرجویی برای علاقمندان به سینمای او به صورت عادت در آمده است. به شهادت بازیگرانی که بارها با مهرجویی تجربه‌های مشترک داشته‌اند، وی در هدایت بازیگرانش شیوه‌ای منحصر به فرد دارد. تحلیل دقیق نقش به همراه بازیگر تا جایی که هر دو به یک برداشت و ذهنیت مشترک دست یابند و همچنین تمرین فراوان روی موارد توافق شده، از ویژگی‌های کار مهرجویی است که این روزها در سینمای ایران کم‌تر به چشم می‌آید.

بازیگران مهرجویی همواره اعتراف کرده‌اند که در کار با او از آزادی عمل قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده‌اند و از این رو با اعتماد به نفس ویژه‌ای مقابل دوربین ظاهر شده‌اند. مهرجویی با زیرکی خاص خودش، توانایی بازیگرانش را از صافی خود می‌گذراند، آن‌ها را به ظاهر به حال خود رها می‌کند ولی ناخودآگاه در مسیر خواست‌ها و ذهنیات خویش قرار می‌دهد به گونه‌ای که در نهایت امضای مهرجویی پای «بازی» بازیگرانش به وضوح دیده می‌شود.

### ج) نیت‌اله خان در «پستچی»

نیت‌اله خان فئودالی است که دوراننش به سر رسیده، گوسفندانش از بیماری تلف شده‌اند، برادرزاده از فرنگ برگشته‌اش قصد دارد به جای گاو و گوسفند، خوک پرورش دهد و به اصطلاح کسب و کار نیت‌اله خان را مدرنیزه کند. نیت‌اله خان بیمار هم شده و تحت درمان دامپزشک منطقه است! انتظامی در نقش نیت‌اله خان - از باب استمارگر - باز هم بازی‌نویی ارانه می‌دهد. انتظامی همیشه گفته است در پرورش شخصیت‌ها، به الگو برداری از شخصیت‌های واقعی جامعه اهمیت فراوان می‌دهد و در مورد این نقش نیز تحقیقات و مشاهداتش را کاملاً دخالت داده است.

### د) سامری در «دایره مینا»

در دایره مینا انتظامی دلال خون است. او خون فقرا را ارزان می‌خرد و گران می‌فروشد. و این پست‌ترین دلالی قابل تصور برای یک انسان را انتظامی با لحن خاص ادای کلمات و دقتی واقعگرایانه که در حالت چهره و بیان، همچنین دشنام‌ها و قائلنق بازی‌ها به خرج می‌دهد، با درجه باورپذیری بالایی عینیت می‌بخشد. او تماشاگر را در مواجهه با این لاشخور تمام عیار به سرحد تنفر می‌رساند.

### ه) کتابدار پیر در «مدرسه‌ای که می‌رقیم»

کتابدار پیر عارف مسلک مدرسه‌ای که می‌رقیم نقش دیگری است که انتظامی به آن جان بخشید. پیر مرد محتاط و با سوادى که تمایلات سیاسی خاصی هم دارد ولی چندان علاقه‌ای به ابراز آن ندارد. محبوب بچه‌هاست و مورد اعتماد آنان. انتظامی با سکوت و آرامشی که در ایفای این نقش به کاربرد وجه دیگری از توانایی‌های خود را بروز داد.

### و) عباس آقا سوپرگروشت در «اجاره نشین‌ها»

مباشر کلاش و پشت هم انداز، همان تیپ آشنایی است که مشابه آن را انتظامی پیشترها در آقای هالو برای مهرجویی بازی کرده بود. انتظامی با گسترش و اغراق بیش‌تر در نقش «محمدی پور» و ملاحظاتی که به آن اضافه کرد، جذابیت ویژه‌ای به این شخصیت منفی بخشید. عباس آقا سوپرگروشت تیبی بود که سال‌ها با انتظامی ماند.

### ز) خالو قربان در «شیرک»

خالو قربان در شیرک، دشتبانی پیر است و با تجربه. او مورد اعتماد مردم است و به نوعی نصیحت‌گر و فکور.

انتظامی در نقش خالو قربان، گوشه‌هایی از نقش کتابدار پیر مدرسه‌ای که می‌رقیم را نیز به همراه دارد.

### ح) دبیری در «هامون»

دبیری وکیلی است که در میانه اختلاف حمید هامون و مهشید - زنی - به ظاهر طرف هامون را می‌گیرد اما سعی دارد طلاق زن را از هامون بگیرد. البته پر رنگی نقش حمید هامون که خسرو شکیبایی ایفاگر آن بود - از یکسو و حذف شدن بخش قابل توجهی از سکانس‌های مربوط به انتظامی موجب شد نقش «دبیری» کم‌رنگ‌تر از حد مورد انتظار باشد. همین مسأله میان انتظامی و مهرجویی ایجاد دلخوری کرد و باعث شد تا انتظامی همواره از ایفای این نقش در هامون اظهار ناخرسندی کند.



این عاشقانگی ظهور بیش‌تری می‌یابد.

پس از مرگ گاو، انتظامی - مشد حسن - در هم می‌شکند. این ویرانی در شخصیت مشد حسن را انتظامی با ناباوری موجود در چشمان و بی‌تابی مشهود در حرکاتش نشان می‌دهد با وارد کردن شخصیت و حالات گاو در وجود مشد حسن، درخشان‌ترین بخش بازی انتظامی رقم می‌خورد. حالت چشم‌ها و نگاه‌های انتظامی پس از این واقعه همانند چشمان یک گاو بی‌حالت اما معنادار می‌شود. صحنه علف خوردن مشد حسن با احساسات و حالاتی شبیه گاو از یاد رفتنی نیست. تغییر صدای تدریجی انتظامی در طول فیلم نیز در باورپذیری این استحالته موثر است.

### ب) محمدی پورینگاه دار و فتح‌اله کافه‌دار در «آقای هالو»

دلال کلاش و کاسبکار آقای هالو شخصیتی است که انتظامی با وجود کوتاهی نقش با قدرت به ایفای آن می‌پردازد. محمدی پور روحیه‌ای سوداگرانه دارد، زبان باز است و از هر راهی برای جوش دادن معامله استفاده می‌کند حتی از کسی که برای یاری جستن به او متوسل شده - آقای هالو - به عنوان طعمه سوء استفاده می‌کند.

انتظامی با بیان ویژه‌ای که برای این نقش در نظر گرفته است - تند تند ادا کردن کلمات و آهنگ خاصی که به آخر جملات بخشیده - این روحیه شارلاتانی و پشت هم اندازی را به خوبی انتقال می‌دهد. این تیپ بعدها گسترش یافت و انتظامی در برخی فیلم‌های آینده‌اش از این تیپ بهره جست. (فیلم تلویزیونی مسافرت، دایره مینا و بخصوص اجاره‌نشین‌ها)

فتح‌اله صاحب کافه شخصیت دیگری است که انتظامی بازی کرد. پیرمردی درویش مسلک که می‌خواهد آقای هالو را بخت‌بخت را از اطراف دختر بدکاره بتاراند تا از یک سو از دام عشق او زهایی‌اش دهد و از سوی دیگر بساط کاسبی‌اش برهم نخورد.

و محوری است او که طرح اصلی فیلمنامه را هم نوشته است با درک صحیح از شخصیت هالو، شهرستانی ساده‌الوحي را معرفی می‌کند که برای همسر گزینی به تهران می‌آید، لفظ قلم حرف می‌زند و راحت فریب می‌خورد، عاشق اولین زنی که می‌بیند می‌شود و به هیچ قیمتی از او دست بر نمی‌دارد. نصیریان چهره پاک و بی‌آلایش هالو را با صورت بی‌حالت و نگاه معصومانه خود، به خوبی می‌نمایاند. لبخندهای معروف او که توام با شرم و حیای شهرستانی است کمک زیادی به باورپذیری شخصیت می‌کند.

نصیریان با درک مناسب از موقعیت‌های کمیک، لحظات طنز فیلم را هم خوب از کار آورده است.

### ج) تقی پستچی در «پستچی»

پستچی ساده‌ای که نوکری هم می‌کند و از نظر جنسی ناتوان است یکی دیگر از شخصیت‌های محوری است که نصیریان بازی کرده است.

تقی انسانی مفلوک و توسری خور بارآمده که به هنگام خدمت و نوکری احساس لذت هم می‌کند. نسبت به همسرش بی‌تفاوت است و دائماً شاهدانه می‌جوید تا شاید فرجی حاصل شود. او را همانند گوسفندان به علف خوردن وا می‌دارند و او گوش‌هایش را ابلهانه تکان می‌دهد!

موهای کوتاه، عینک گرد و چهره مات و مبهوت نصیریان کمک فراوانی به تجسم بخشیدن به نقش تقی می‌کند.

پس از تجاوز مهندس از فرنگ برگشته به همسر تقی، او در هم شکسته و ویران، برای رهایی از خفت و زجر و تحقیری که گریبان‌اش را گرفته همسرش را می‌کشد و خود نیز تعادل روحی‌اش را از کف می‌دهد تقی پستچی را شاید بتوان بهترین نقش آفرینی نصیریان در تمام عمر بازیگری‌اش دانست.

### د) اسماعیل در «دایره مینا»

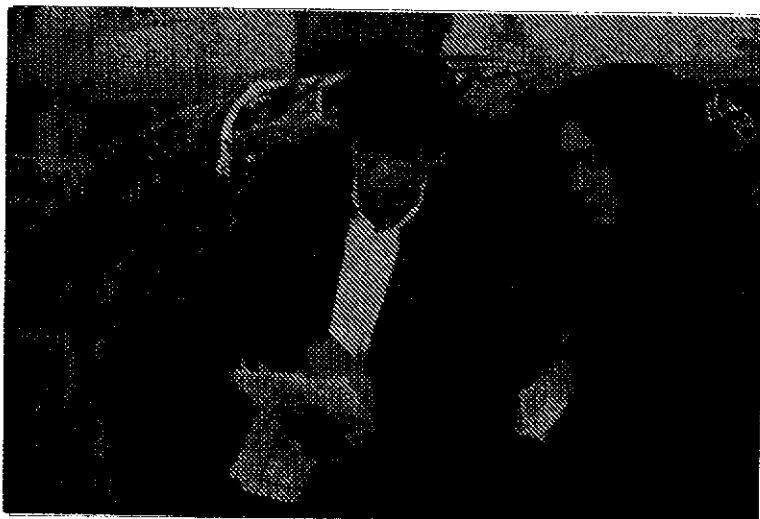
در دایره مینا نصیریان نقش حاشیه‌ای اسماعیل را بازی کرده است که راننده بیمارستان است و بسیار فرصت طلب. نصیریان در دایره مینا محوریت داستان را به سعید کنگرانی، عزت اله انتظامی و اسماعیل محمدی سپرده است.

### ه) ناظم در «مدرسه‌ای که می‌رفتیم»

آخرین همکاری نصیریان و مهرجویی تا به امروز در همین فیلم رقم خورده است ناظمی جابر، خشن و خودکامه که می‌توان او را نماد کاملی از رژیم حاکم پیش از انقلاب دانست، یک تیپ کلیشه‌ای است که قرار است «بدمن» فیلم باشد. او در برابر اتحاد و یکدلی دانش‌آموزان، سرانجام زیر بار خواسته‌های آنان می‌رود.

### ۳) خسرو شکیبایی

شکیبایی از جمله بازیگرانی است که با کمک مهرجویی به یک بازیگر درجه اول در سینمای ایران تبدیل شد. او پیش از هامون (۱۳۶۸) که نخستین همکاری‌اش را با مهرجویی تجربه کرد، بیش‌تر به عنوان یک بازیگر متوسط اما مستعد شناخته می‌شد اما با هامون به



### ی) قربان سالار در «بانو»

انتظامی در بانو نقش یک آشپز دزد و دغل را بازی می‌کند. با چهره‌ای زشت و کره و معیوب. انتظامی این نقش دشوار را با استادی ایفا کرده است. لهجه آذری، چشم ورقلمبیده و زیرکی خاص این نقش از قربان سالار شخصیتی جذاب آفریده است. قربان سالار وسایل خانه‌ای را که به عنوان میهمان به آن جا وارد شده به سرقت می‌برد و تدریجاً خانه را نیز تصاحب می‌کند «بانو» آخرین همکاری مهرجویی و انتظامی تا به امروز است. با اینکه بیش از ۸ سال است که این دو در هیچ فیلمی همکاری مشترکی نداشته‌اند، اما بی‌شک یکی از موفق‌ترین و طولانی‌ترین همکاری‌ها میان یک کارگردان و یک بازیگر در تاریخ سینمای ایران را این دو نفر رقم زده‌اند.

### ۲) علی نصیریان

همکاری نصیریان با مهرجویی نیز از سال ۱۳۴۸ و در دومین ساخته مهرجویی - گاو - آغاز شد. نصیریان با نگاه‌های منحصر به فرد و زاویه دادن همیشگی به گردن و بدن به هنگام بازی و لحن و بیان خصائص خود یکی از شاخص‌ترین و مسلط‌ترین بازیگران سینمای ایران است. او در ۵ فیلم با مهرجویی همکاری داشت و شخصیت‌های ماندگاری را خلق کرد به نحوی که برخی بهترین بازی‌های او را در آثار مهرجویی می‌دانند. همراهی نصیریان با مهرجویی حدود ۱۱ سال به طول انجامید و مدرسه‌ای که می‌رفتیم (سال ۱۳۵۹) آخرین همکاری مشترک این دو بود.

### الف) مشد اسلام در «گاو»

نخستین حضور نصیریان در مقابل دوربین، شخصیت مشد اسلام را آفرید. مشد اسلام کدخدای ده و مُصلح و بزرگ‌ترده است و در تصمیم‌گیری‌ها حرف آخر را می‌زند، ضمن آن که به نظر می‌آید از سایرین عاقل‌تر است.

در «گاو» اما، تمامی شخصیت‌ها تحت الشعاع «مشد حسن» اند و بازی تمام بازیگران تحت الشعاع بازی عزت اله انتظامی.

### ب) آقای هالو در «آقای هالو»

این فیلم نخستین نقش آفرینی نصیریان به عنوان قهرمان اصلی

شوریده اما آرام‌تر از همیشه را می‌آفریند. شکیبایی در دو فیلم بعدی مهرجویی - لیلا و درخت گلابی - حضور نداشته است.

۸- کارگردان در فیلم کوتاه «دختر دایی گم شده» و فیلم بلند «میکس»

شکیبایی هم در فیلم کوتاه «دختر دایی گم شده» - که از مجموعه قصه‌های کیش است - و هم در فیلم بلند و سینمایی «میکس» - هر دو فیلم در فیلم هستند - در نقش کارگردانی که مشغول ساخت فیلم است ظاهر شده و تقریباً در هر دو شخصیت یکسانی ارائه داده است. کارگردانی که رفتار تند و عصبی دارد و حرکت همیشگی دست و بدنش را در کارهای قبلی‌اش دارد. با این تفاوت که به مرور یا سکوت‌های عصبی استرس‌های متداول در میان کارگردانان را به نمایش می‌گذارد.



#### ۴) نیکو کریمی

مهرجویی از هامون به این طرف نگاه ویژه‌ای به «زن» در آثارش داشته است. نگاهی که پیش از آن هرگز جدی و موşkافانه نبود. در سارا، پری و لیلا که سه گانه زمانه مهرجویی به حساب می‌آیند، زنان، نقش محوری را ایفا می‌کنند و در این مبانه، نیکو کریمی نقشی اساسی دارد، چرا که در «سارا و پری» عنصر کلیدی مهرجویی بوده است.

کریمی را شاید بتوان مستعدترین بازیگر زن حال حاضر سینمای ایران دانست. انعطاف قابل توجه در آفرینش نقش‌های متفاوت، توانایی‌های گسترده و قابلیت‌های فراوان بازیگری از ویژگی‌های کریمی است. نیکو کریمی صدا و بیان مناسبی دارد، قرار گرفتن جلوی دوربین را بلد است و در پذیرش نقش، سخت‌گیری دلپذیری به خرج می‌دهد که این آخری، مهم‌ترین ویژگی نیکو کریمی است.

#### الف) سارا در «سارا»

کریمی در سارا شخصیت پیچیده‌ای را بازی می‌کند. زنی که سال‌ها پیش در حق شوهرش - بی‌آنکه او بداند - فداکاری بزرگی کرده و از این مسأله احساس رضایت هم می‌کند. در شرایط دشواری قرار می‌گیرد. شوهر اما پس از اطلاع از شرایط بی‌توجه به زحمات او، وی را از خود می‌راند ولی وقتی شوهر واقعیت را می‌فهمد و از در آشتی در می‌آید، این بار سارا خانه را ترک می‌کند. کریمی با تسلط کامل زنی سنتی، شوهر دوست و فداکار را بر پرده سینما ترسیم کرده است.

#### ب) پری در «پری»

پری دانشجوی ادبیات است. او تحت تأثیر زندگی برادرانش که سالک و عارف و پریشان بوده‌اند قصد دارد مرتکب خودسوزی شود تا به رستگاری برسد اما توان آن را ندارد.

بالاخره توسط یکی دیگر از برادرانش به خانه برگردانده می‌شود و در پایان این سلوک به آرامش می‌رسد. کریمی از عهده نقش دشوار پری با عصبیتی که ریشه در کنجکاو و جستجوگری دارد و تفکرات فلسفی ویژه دارد، به خوبی برآمده است. پری یکی از درخشان‌ترین بازی‌های نیکو کریمی محسوب می‌شود. ■

شماره نوزدهم

یکباره به یک پدیده شگرف در سینمای ایران بدل شد. حرکات دائمی و تند سر و دست‌ها و لکت‌های پی در پی به هنگام حرف زدن، آشفتگی همیشگی رفتار و ظاهر، شکستن چارچوب‌ها و قواعد تعریف شده بازیگری در لحن و بیان و نگاه و بالاخره بداهه پردازی‌های شیرین از جمله ویژگی‌های خاص شکیبایی است. شکیبایی در چهار فیلم با مهرجویی همراه بوده است.

#### الف) حمید هامون در «هامون»

حمید هامون عاشقانه زنش را دوست دارد ولی خود از عشق او محروم است. شکیبایی با بازی بیرونی و تأثیرگذار خود تیپ روشنفکر عصبی مزاج، درگیر، بی‌قرار و البته عاشق را در هامون آفرید و این تیپ را سال‌های سال با خود یدک کشید، به گونه‌ای که هنوز پس از گذشت ده سال از آن رهایی نیافته است. شیرین زبانی‌های گاه و بی‌گاه و صدای گیرا و منحصر به فرد شکیبایی نیز از عوامل بسیار موثر در رویکرد مثبت مخاطبان نسبت به وی بوده است.

#### ب) محمود در «بانو»

محمود شوهر بانو است که بی‌عشق به یکدیگر زندگی می‌کنند. شوهر به عشق زنی دیگر خانه بانو را ترک می‌کند ولی در انتها پشیمان و امیدوار به خانه بر می‌گردد اما بانو اظهار ندامت او را نمی‌پذیرد و این بار زن خانه را ترک می‌گوید. شکیبایی در بانو حضور فیزیکی کم‌تری دارد. نقش او به پر رنگی هامون نیست و به حضور در دو سه سکانس خلاصه می‌شود.

#### ج) گشتاسب در «سارا»

شکیبایی در سارا یک نقش منفی را بازی می‌کند کسی که برای نجات خود به هر دری می‌زند و در این راه از تهدید و آزار دیگران هم ابایی ندارد. شکیبایی باز هم همان آدم عصبی سزاج و آشفته است اما با هوشمندی، به این نقش منفی عمق و بُعد می‌بخشد و شخصیت را از غلتیدن به ورطه سیاهی مطلق می‌رهاند.

#### د) صفا و اسد در «پری»

در پری دو نقش به شکیبایی سپرده شده است. صفا و اسد هر دو فیلسوفان و روشنفکرانی هستند که به بن بست رسیده‌اند. یکی خودکشی می‌کند و دیگری کنج عزلت می‌گزیند. البته شکیبایی در «پری» کمی متفاوت‌تر از کلیشه خود ظاهر می‌شود و دو شخصیت